

ه ایران

معیارهای داوری

در سومین هفته‌ای که بر فرمان هستمادهای امام خمینی گذشت، امام پیام شش‌ماده‌ای دیگری صادر کردند، که طی آن انحلال کتبه، هیئت‌های گزینش را در سراسر کشور، در ادارات و وزارت‌خانه‌ها و قوای مسلح و آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها اعلام و بصریح کردند که "سئوالات غیرمربوط به اسلام و متسبحین" بوده و "بهمین‌وجه معیار در گزینش نیست و ندانستن آنها اشکال و عیبی ندارد".

آقای نخست‌وزیر این پیام شش‌ماده‌ای را "بارگردن دوباره همان بیانیه قبلی" دانست و به دنبال آن هیئت‌های گزینش منحل و افرادی که در بسیاری از ادارات و نهادها، به‌حاضر ندانستن پاسخ، اخراج شده یا پذیرفته نشده بودند، به‌منظور رسیدگی مجدد به وضعیتشان، دوباره فراخوانده شدند.

در این هفته همچنین "هیئت عالی گزینش" مرکب از سه نفر تشکیل شد و باز درباره "افراط کاری‌ها"، "تندروی‌ها"، "گج‌بندی‌ها" و "گرایشات تندگرایانه" سخن گفتند. و بار در این مورد نیز، مانند فرمان نخست، که می‌توانست در صورت تعبیر درست و اجرای قاطع راهگشا باشد، این سؤال پیش آمد که: افراط کاری در چه زمینه‌های تندروی علیه چه کسانی؟ کیانندیشی بر سر چه تعبیر و برداشتی؟ همین سئوالات، که باید پایه، قضاوت و معیار داوری قرار گیرد، پس از فرمان نخست امام نیز، بویژه با مشاهده برخی پدیده‌ها، مطرح شد. از این قبیل‌اند: بازگشت دادن املاک مزرععی مصادره شده، طاعونیان و غارتگران، که به سیاد یا دهقانان داده شده بود؛ پس دادن برخی مستغلات شهری خربولان متنفذ، کتبه مستضعفان داده شده بود؛ تاروشنی سرنوشت برخی از نهادهای انقلابی حامی زحمتکشان و به‌جریان انداختن "شکایات" بزرگ‌مالکان و کارخانه‌داران و صاحبان دامداری‌های بزرگ و هتل‌ها و غیره.

درواقع، به تناسب این که چه تعبیری را از فرمان فطی و کمیونی امام خمینی حاکم کنند و آن را علیه چه اقشار و نیروهایی و به‌سود چه اقشار و نیروهایی عملاً به‌کار برند، می‌توان با آمیدی را، که در دل‌ها مطابق با منافع تعمیق انقلاب از نخستین شنیدن این پیام آفریده شده بود، فروز تر ساخت، یا بر نگرانی و بی‌یابی، که از دیدن نخستین اقدامات و پیامدها به‌سود سرمایه‌داران و ثروتمندان، به‌سود عوامل طاغوتی یا لیبرال‌منش و فرصت‌طلب، رانیده شده بود، افزود. این واقعیتی است، که "گزینش‌ها" فقط علیه مردم عادی نندروی نکرده‌اند و به بهانه مکتبی نبودن و پاسخ سئوالات را ندانستن، فقط افراد عادی را بیرون نکرده‌اند، بلکه ترشحات این سبیل بر دامان عدما‌ی از لیبرال‌منش‌ها و طاعون‌ها و وابستگان به‌رژیم سابق بر نرفته است. آیا از فرمان اخیر امام این "استفاده" خواهد شد، که چنین عناصری بر سر کار برگردند و "حزب" انقلاب شود؟ یا تعبیر عملی فرمان، چنان خواهد بود که تندروی‌های انکارناپذیر "هیئت‌های گزینش" علیه مردم عادی و مشتاق خدمت به انقلاب و جمهوری را جبران کند؟

برسر پاسخ به این سؤال، ندردی سخت بین طرفداران نمودن انقلاب و خواستاران مسح آن در گرفته است، و فضاوت نهایی همچنان در گرو روش روشن شدن این پاسخ و نتیجه، آن نبرد است.

این واقعیتی است که "تحلفات" و "افراط کاری‌هایی" بسیاری در جهت خلاف قانونیت، برخلاف قانون اساسی و منافع انقلاب و مدافعان انقلاب و زحمتکشان که باید از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند، صورت گرفته است. ولی قابل‌انکار نیست، که در روند انقلابی ضمایب بسیاری از "مالکیت‌ها"ی غصبی غارتگران مصادره شده، بسیاری از "منافعات" بهره‌کشان فاسد توقیف گردیده و عدما‌ی از ساواکی‌ها و طاغوتی‌ها و مداحان دربار و رژیم گذشته دستگیر و زندانی شده‌اند.

آیا از فرامین امام خمینی این "استفاده" خواهد شد، که به نام اسلام و قانونیت و تقدس مالکیت، آن "اموال" مصادره و توقیفی

بازگشت داده شود و این دستگیرشدگان خطاکار آزاد شوید؟ یا آن که تعبیر مردمی درستی از آن حاکم خواهد گشت، و همان‌طور که بسیاری از محافل خط امامی گفته و طلب کرده‌اند، محتوای فرمان علیه سرمایه‌داری فاسد و مستکبران و تروریست‌های اقتصادی متوجه خواهد شد، و بسیاری از افراد انقلابی شریف و فداکار، که به قانون اساسی وفادار و شیفته خدمت به میهن انقلابی خود هستند، ولی بر اثر کج‌اندیشی عناصر تندرو (دوستان نادان و دشمنان آگاه) از کاروشمل خود برکنار و یا بازنشسته شده‌اند و مامهاست که زندانی هستند، آزاد خواهند شد؟

برسر پاسخ به این سؤال، ندردی سخت در جریان است و تمام نگرانی بحق و امید بحق جامعه، تا روشن شدن پاسخ واقعی و عملی به این سؤال، تا پیروزی خط انقلابی بر همه خطوط موربانه‌های لیبرال انقلاب و بختکهای قشری انقلاب و بر همه طیف مسخ‌کنندگان و سازشکاران و جریبان راست‌گرای مخالف خط امام ادامه خواهد یافت.

وطیقه انقلابیون است، که همه کوشش خود را به‌کار برند و با بوسج و روشنگری، به نیروهای صدیق انقلابی خط امامی در پیش‌رو این نبرد و تسریع در روشی شدن پاسخ با معیارهای اصلی، که آینده انقلاب و تکامل و تعمیق آن را مدنظر داشته باشد، یاری رسانند و با امنای عناصر راست‌گرا و روش‌های سازشکارانه، انحصارطلبانه و مسخ‌کننده، به این خطوط خطرناک ضربه وارد آورند.

محتوای طبقاتی

با آن که رهنمودهای مداوم امام خمینی در زمینه توجه به کوخ‌بشنان و نطق حکومت به محرومان بر همه روش است، و با آن که همین اخیراً نیز از جاست برخی شخصیت‌های خط امامی (آیت‌الله جنتی، اسناد حکیمی، برخی موضع‌گیری‌های رئیس‌مجلس، نخست‌وزیر، عدما‌ی از سنولان فوه قضائیه و بعضی نمایندگان مجلس و برخی از نویسندگان روزنامه‌ها) بر جسته ضد سرمایه‌داری و احقاق حقوق مستضعفان نکه شده است، ولی در هفته گذشته باز هم شاهد تدارک‌آبادی اموال و املاک مصادره‌ای و توقیفی و ادامه غارت هولناک اقلیتی ناچیز، ولی سمارسند از گردانندگان بازار و صاحبان سرمایه‌های بزرگ بودیم. می‌توان گفت، که از هنگام حلع و طرد بنی‌صدر و آغاز مرحله سوم انقلاب، و طبقه اصلی در جهت تحکیم جمهوری و تعمیق انقلاب، ضربه‌زدن به قدرت و عمل بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری، به‌مثابه پایگاه‌های غارت و فساد و تکیه‌گاه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب بوده است. هر عملی که در این جهت صورت گیرد، به نفع انقلاب است، راهگشا و آینده‌ساز است، پاسخگوی نیازهای شست و رشد جامعه انقلابی ماست. محتوا و جهت طبقاتی هر موضع‌گیری، هر ندرت‌بهر سیاست، تعیین‌کننده ماهیت آن است.

سپه‌ده نیست، که پس از تصفیه حساب با دربار شاه و بعد از آن با آمریکا، مسئله تروریست‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان در صدر مسائل کشور قرار گرفته و به گوهی‌ترین آنها بدل شده است. در این جاست که "خط‌ها" متمایز می‌گردد و هرکس حساب خویش را روش و جای خود را در سنگر نبرد مین می‌کند. باز هم سپه‌ده نیست که مردم ما نگران آن محتوای جهت طبقاتی هستند، که به فرامین امام داده خواهد شد، به سود کدام طبقه تمام خواهد شد؟ این است پرسشی که باید هشیارانه و آگاهانه بر همه اذهان نقش بندد، تا رهنمون مشارکت فعالانه مردم ما در جهت انقلاب گردد. وگرنه همواره خطر موفقیت توطئه براندازی، توسط هواداران رژیم مشابه با نظام طاغوت و سازشطلبان با آمریکا، وجود خواهد داشت.

مونه‌هایی از دو تعبیر را در رویدادهای این هفته ذکر کنیم: آقای طباطبایی سرپرست نیاد مستضعفان، طی یک مصاحبه مطبوعاتی به دنبال دستور رفع توقیف و رسیدگی به پرونده‌های اموال مصادره‌ای گفت:

"از سنولان نیاد در شهرستان‌ها خواستیم، تا اگر احکامی در رفع توقیف یا رفع مصادره دارند و به‌دلایلی به صاحبانش مسترد شده، هرچه سریع‌تر آنها را باز پس دهند. اما مشکل این جاست که بعضی از این صاحبان اموال مقدار قابل‌توجهی، که بعضاً بالغ بر میلیون‌ها تومان است، به بنیاد بدهکارند و اگر قرار باشد تحویل بدهیم، نمی‌دانیم تکلیف این طلب‌ها، که متعلق به بیت‌المال است، چه می‌شود؟ به‌علاوه حکمی بوده که حاکم شرعی در مصادره داده و حاکم دیگری، متناقض با آن، حکم دیگری صادر کرده؟"

ری موارد احکام توقیفی و بلا تکلیف رادو هزار مورد ذکر کرد (غیر

از صادره، که مدعیان اغلب فراری از کشور و یا متواری هستند) .
کسانی که تنها به همکاری هایشان به دولت سر به میلیون‌ها می‌روند،
چه رسد به دارایی هایشان، کی‌بماند؟ آیا این طبقه است، که باید زیر
ضربه قرار گیرد، یا آن دهقان بی‌نواهی، که چند هکتاری زمین از
زمین‌های صادره‌ای به او داده شده، یا آن مستاجر محرومی، که در
یکی از ساختمان‌های صادره‌ای، اطاقکی پیدا کرده است؟

دستور داده شده است که "اموال آنها که در ایران هستند، باید
به محض مراجعه، صاحبش به جریان بیفتد."

این "صاحبان"، که در ایران هستند، چیزی از فراریان کم
ندارند. چرا سرمایه‌دار، خان، محترک، ارباب مقیم ایران، که تا
دیروز حتی جرات آفتابی شدن را پیدا نمی‌کرد، حالا "اموال خود"ش،
یعنی مال عصبی مردم و مال بیت‌المال، را پس بگیرد؟ آیا منظور از
"تخلقات" همین‌هاست؟ آیا ما نوسل به مثال سرپرست بنام، حکم
آن حاکم شرع اولی، که از محرومان و از خزانه دولت احقاق حق
کرده، می‌تواند "تحلف و بندروی" حساب شود، و حکم آن حاکم شرع
دومی، که به سود مالک بزرگ و صاحب سرمایه، رای داده، "قانونی و
متعادلی" ارزیابی گردد؟

نگران‌کننده است که تا کند استاد حکمی، در روزنامه کیهان،
علیه سرمایه‌داری بازناب چندانی نیافت و حتی تا کید آیت‌الله جمعی
امام جمعه، موقت قم، در روزنامه‌ای چون روزنامه جمهوری اسلامی، نه
تنها سانسور شد، بلکه در سرمقاله "چند روز بعد این روزنامه (که عملاً
وجود "دانه‌های درشت" و لزوم برخورد جدی با آنها را زیر غلاب
سؤال می‌گذاشت) درست همین مطالب مربوط به آهن فروشان و
محترکان و گرانفروشان، که خون مردم را می‌مکند، به کلی از یاد رفت.
در عین حال امیدبخش است که در نزد برخی از نمایندگان مجلس،
در دادگاه امور صنفی، در نزد برخی مقامات قضایی و در برخی حراست
موضع گیری‌های درست مردمی و تبعیض‌ناهیسته انقلابی از جهت گیری صد-
سرمایه‌داری دیده می‌شود:

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در این هفته گفت: "متواری‌ها به
دولت مفروضند، به بانک‌ها مفروضند، اموال بیت‌المال را به چپاول
برده‌اند، ارزش زیادی را از مملکت خارج کرده‌اند."

واضح است که نباید "اموال" اینها، به حکم حام شرع، پس داده
شود. و تازه مگر فقط متواری‌ها این چنین‌اند؟ همه سرمایه‌داران بزرگ
غارتگر و همه بزرگ مالکان خونخوار از همین قماشند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی می‌گوید: "دادسرا باید در رابطه با
تروریست‌های اقتصادی عمل کند... نه دنبال یک بقال سرکوجه بلکه
دنبال کسانی برود که کالاها را بسیار زیاد با ارقام بسیار بالا وارد و
نگهداری می‌کنند و به قیمت ده‌برابر و بیست برابر می‌فروشند."

پرواضح است که این "کسان" تنها فراریان و متواریان نیستند،
اگر به گفته شهید آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله ملکونی باور داریم،
این "کسان" همین حالا در میان "تجار محترم" و آهن‌فروشان و
محترکان همین یکی دو سال اخیر قرار دارند.

توان مقابله

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در ارتباط با
تروریست‌های اقتصادی گفت: "باید دید چه کسی اعتبار برایشان گشوده
و چه کسی اجازه، ترخیص و توزیع داده. وی اضافه کرد: "وزارت
بازرگانی باید مسئولیتش روشن شود و دادسرای امور صنفی باید عوامل
اصلی را پیدا کند."

حجت‌الاسلام عزیزبان حاکم شرع دادگاه ویژه امور صنفی مفضل‌دار
این باره افشاکری و ارقام و پرونده‌هایی را مطرح کرد، که از سیگار و
شیشه، تا آهن و کره را دربر می‌گیرد، و پای وزارت بازرگانی هم در
همه جا هویدا است. اگرچه آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی در مصاحبه
خود گفت که این حرف‌ها "عاری از حقیقت است"، "کاملاً خلاف واقع
است"، ولی همه می‌دانند که همه این مسائل از کجا آب می‌خورد.
در واقع، در این جا نه فقط مسئله خود تروریست‌های اقتصادی، بلکه
حامیان آنها نیز مطرح می‌شود. به گفته آقای عزیزبان "کسانی هستند
که نمی‌توانیم بگوییم بالای چشم ابروست."

با این "کسان" انقلاب باید توان مقابله را بیابد. به این آفت
انقلاب باید نهایت توجه را مبدول کرد: به آفت سرمایه‌داری نوکیسه
بورژوازی، سرمایه‌داری برخوردار از روابط در نهادها و سیراب از
قدرت دستگاه دولتی و مأموران عالی‌رتبه صاحب‌مقام، که به پول
و پلفای می‌رسند و سرمایه‌های بهم می‌زنند.
سرمایه‌داری بورژوازی آفت بسیاری از انقلابات بوده

است. انقلابیون اصل موظفند که به آن و به همه عناصری که راه
آن را بازمی‌کنند و همه تدابیری که منجر به رشد این پدیده می‌شود،
حد اکثر توجه را مبدول دارند. آن کسانی که اعتبار می‌کنند و اجازه
ترخیص و توزیع می‌دهند، آن کسانی که حاکم شرع پرونده‌شان را رو
می‌کند، آن کسانی که زنجیر سلطه سرمایه را بر کرده کارگران
اسوار می‌کنند، آن کسانی که معاون برکنار شده وزارت کار را دوباره،
همراه با تقدیرنامه، به‌بهت دیگری در همان وزارت خانه می‌کارند، و
به قول آقای موسوی اردبیلی "مرتکب تحلف دوم می‌شوند"، (که کسی
چرا آقای نوکلی وزیر کار نیست)، آن کسانی که اعمال نفوذ می‌کنند،
تا معاون‌شان در وزارت بازرگانی به حد کافی محارفات نشود، تا جایی
که آقای عزیزبان بگوید: "حداقل محارفات شد، چسبون بار همان
رابطه برضابطه حاکم بود. برای این که آقایان معاون هستند. برای
این که آقای عسکراولادی ناراحت بودند و آقایان حالا مرا کرده‌اند و
معلوم نیست کجا هستند..." همه از این نوع حامیان هستند. اینها
نطفه‌های غده سرطانی نابودکننده انقلاب است، که جا دارد رنگ
خطر را به صدا درآورد و انقلابیون و مسئولان متعهد را به لزوم
جهت‌گیری آگاهانه به سود کوح‌نشینان و سریان کاح‌نشینان، به سود
رحمتکشان محروم و سرریان بهره‌کشان فاسد، در راه اجرای اهداف
انقلاب متقاعد سازد.

آقای کاظم نوروزی نماینده، اهل سیر مسئله، نوان انقلاب برای
مقابله با مطرح کرد و در مجلس همان اصطلاح آقای عزیزبان را به کار
برده و گفته است:

"آیا بی‌حرمی به خون شهیدان ترست که عده‌ای جان فدا کنند
و گروهی اجناس را پنج برابر قیمت بفروشند و دزدی علنی کنند و کسی
هم به آنها نگوید بالای چشمان ابروست... اگر اجناس برای
ثروتمندان و پارتی‌داران و مورچش‌ها بی‌اعت بود و برای دیگران نه،
این قابل تحمل نیست. اینها حتی موش و دلسوران و غلات‌مندان
به انقلاب را دلسرد می‌کند."

همیشه، روزنامه‌ها، وی از مسئولان وزارت بازرگانی استناد کرد
و خواستار اقدامات قاطع شد.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی هم یک راه‌حل عملی اقتصادی را
نشان داد و گفت: "دولت باید خودش وارد کند و در رابطه با متواری‌ها
خودش توزیع صحیح را انجام دهد."

و این، یعنی اجرای قانون اساسی، که بخش‌های دولتی و تعاونی
را اصلی و بخش خصوصی را "مکمل" می‌داند.

آیا انقلاب چنین نواهی را خواهد یافت؟ اکنون که آفت انقلاب
دارد رشد می‌کند، انقلاب بزرگ ما باید به کسانی که خون مردم را
می‌مکند، به تروریست‌های اقتصادی و به حامیان و ایادی آنان، که
همور در دستگاه‌ها هستند، بنواند بگوید: بالای چشمان ابروست!
اگر انقلاب ما توان آن را بیابد، که در این مرحله حساس بورژوازی
کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان لگام بزنند و جلوی رشد سرمایه‌داری
نوبین اداری - بازاری را، که به سرعت وحشتناکی در حال عارت و بهره
شدن است، بگیرد، آن وقت دساوردهایش در مقابله با رژیم طاغوت
و استبداد سلطنتی و سلطه نواستعماری آمریکا نیز در معرض خطر قرار
خواهد گرفت و نابود خواهد شد.

کاخ‌نشینان و ثروتمندان و پارتی‌داران و حامیان آنها این بار در
صددند، که زیر نقاب اسلام نمایی و دلسوری برای "قانونیت" و جلوگیری
از "تحلف و بندروی" جای پای خود را تحکیم کنند. رفیق کیانوری
دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پرسش و پاسخ ۱۱ آدی
۶۱، نسبت به "عارت آشکار از طرف یک‌قلیت کوچک از سرمایه‌داران
بخش خصوصی" هشدار جدی می‌دهد و یادآوری می‌کند که: "سودهایی
که در این دو ساله، سرمایه‌داری از بین بخش توزیع برده، در هیچ
دوره‌ای از تاریخ ۵۰ ساله اخیر ایران سابقه نداشته است."

این خطر عظیمی است، که روزنامه "صبح‌زادگان هم، در سر
مقاله‌ای به صورت "نامه به امامت"، آن را "خوره به جان انقلاب...
باعث آزار و اضراریتهای مردم عمومی در جامعه... دارای ابعاد
وحشتناک" می‌داند و آن را "عارتگری اقتصادی" می‌نامند. روزنامه
می‌نویسد:

"امروزه به راستی مردم از مشکلات عدیده اقتصادی به تنگ
آمده‌اند... مشکلات به حالت خطرناکی رسیده... و جامعه را به
حالت انفجار می‌رساند. امروزه این قشر عظیم به تنگ آمده از ظلم
و جور و چپاول و عارت تروریست‌های اقتصادی بار دیگر رو به سوی
شما آورده‌اند... بی‌توجهی به مسئله تروریست‌های اقتصادی
موجب‌ترشد آنها را فراهم آورده و امروز چشم‌امید تمامی محرومین

جامعه به شاست ، تا با چاهی و یا سخنی امر به ریشگی این مشکل بزرگ جامعه نماید .

همین نکته را آیت‌الموسوی اردبیلی با این جمله بیان می‌کند : " انقلاب شکوهمند ما ، اگر ضربه بخورد ، فقط از اقتصاد است که انشأاله نخواهد خورد . "

ولی برای این که انقلاب ضربه نخورد ، به جای سیاست معاشات و کوشش برای جذب عناصر چپاولگر و تصور راضی کردن افشار بینابینی با تدابیر سطحی ، به جای تعبیر نادرست و غیرمردمی از " تندروی و بخلف و افراط " ، که زحمتکشان و نیروهای انقلابی نشأت گرفته از آنان را می‌رانند و مانوس و دلسرد و ناراضی می‌کند ، باید سیاست فاطح ضدکسالت سرمایه‌داری و بزرگ مالکی ، سیاست نامس آزادی‌های واقعی برای زحمتکشان و برای همه نیروهای سیاسی طرفدار انقلاب و قانون اساسی اجرا گردد .

در شرایطی که محافل از بالا ، زبر تهدید " تجاوز به احکام شرع و تحریف اسلام " بپوش بزرگی را علیه جنبش سیاسی سازمان می‌دهند و محافلی از پایین نیز ، با انواع سرراجهات و شکایات و شایعه‌سازی‌ها و مخالف‌خوانی‌ها ، به این پورش ابعاد خطرناکی می‌بخشند ، توجه به این مسائل ضرورت حاد پیدا کرده است .

محافل ذی نفوذی از روی سبت این موضع را وسیعاً پخش می‌کنند ، که خواست‌های مردم اسلامی و نیازهای جامعه انقلاب " ضرورت‌های فرضی و خیالی و وهمی و شعاری " است . آن‌ها هرگونه تدبیر لازم و حیاتی برای انقلاب را " گرایش به نظام اقتصادی سوسیالیسم کمونیسم " می‌نامند و حتی اهداف مسلم انقلاب را نقطه می‌کنند و معتقدند که " طرح‌ها و لوایحی مانند اصلاحات ارضی و بازرگانی خارجی قوانین مخالف اسلام است . "

از یکسو می‌بینیم که مردم محروم ، و در راس همه ، کارگران و دهقانان زحمتکش ، و در دفاغ آن‌ها روحانیون خط‌امامی و مسلمانان انقلابی برمی‌خیزند و " اقدامات قاطع " و " ریشه‌کنی مشکل بزرگ تروریسم اقتصادی " را طلب می‌کنند . از سوی دیگر مشاهده می‌کنیم ، که آن محافل صاحب نفوذ ، به نام " امنیت مالک و جان و شرف و حیثیت و آزادی‌های اسلامی " (" مال " میل از همه چیز) مانع تازه در راه انقلاب می‌تراشند و همراه بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و وابستگان به آن‌ها ، سو " تمسیر از فرمان امام را دامن می‌زنند .

نبرد بین این دو گرایش ، با محتوای هرچه آشکارتر طبقاتی ، فئردی است سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده راهی که جمهوری اسلامی ایران خواهد پیمود و آینده‌ای که در انتظار انقلاب است . عظمت و وظایف همه انقلابیون از همین جا ناشی می‌شود .

قانون کار و کارگران

رویدادهای پیرامون پیش‌نویس قانون کار در این هفت‌مان چنان مهم‌اند ، که اگر توضیح درباره مسائل فوق ضرور نبود ، جا داشت ، که در راس همه مسائل هفته ، بیان پرداخته شود . در روزهای ۱۵ و ۱۶ دی ، سمینار بررسی پیش‌نویس ضدکارگری قانون کار تشکیل شد ، که در واقع محاکمه تدوین‌کنندگان پیش‌نویس و اعلام محکومیت آنان بود . سمینار در دخانیات بمدت دو روز ، با شرکت بیش از دوهزار نفر و از جمله هفتاد تن کارگر ، با حضور آیت‌الموسوی اردبیلی و وزرای صنایع و دادگستری ، آقایان هاشمی و اصغری ، آقای میر-محمد صادقی معاون وزیر کشاورزی (وزیر سابق کار) و معاون وزیر صنایع سنگین ، ولی بدون حضور آقای توکلی وزیر کار ، جریان یافت . آقای توکلی دعوت شده بود ، ولی معاون خود آقای معتمد رضایی را برای دفاع از پیش‌نویس به مقابله کارگران فرستاد .

این سمینار حادثه مهمی است . شرکت آقای موسوی اردبیلی ، که اکنون ، مسئولیت سنگین ستاد پیگیری فرمان امام " را ، علاوه بر ریاست قوه قضایه ، به عهده دارد و به‌ویژه موضع‌گیری صریح وی - نزدیک ایشان و هم چنین سخنان سایر شرکت‌کنندگان ، از جمله صد کارگر زن از شیراز و یک کارگر مرد از اصفهان ، و مناظره بین مدافع پیش‌نویس و مخالفان آن ، بدون تردید در تعبیر سرنوشت پیش - نویس و دور انداختن آن جای مهمی خواهد داشت . این آغاز مرحله تازه‌ای است برای تدوین قانون کارگی که : اولاً بر مبنای قانون اساسی و ثانیاً بر اساس منافع کارگران با مشارکت خود آن‌ها نوشته‌شود . به‌علاوه آن نوصیه می‌کنیم که جریان سمینار و متن سخنان آقای موسوی اردبیلی را در روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی به‌دقت بخوانند و به گزارش‌های مربوط به جلسات هفتگی " قانون‌های شوراها و انجمن‌های کارخانجات " توجه کنند .

آقای اردبیلی از جمله گفت : " این انقلاب ، انقلاب محرومان و مستضعفان است . شهدای ما و نهادهای انقلابی ما از این فشرند . . . تا در جامعه بی‌کار ، بی‌مسکن ، بی‌دوا ، بی‌غذا هست ، جامعه مشکلاتش را پشت سر نگذاشته . . . ما باید همین امروز در فکر کارگر باشیم . فردا دیر است . همین لحظه . لحظه بعد دیر است . . . کشور مال ماست . . . اصل نیروی کار است . روی این اصل و اساس باید آینده کشور را بسازیم . باید کارگر مسئله‌اش حل‌شود . . . همه این‌ها را باید قانون‌کار حل کند قانون‌کار را باید کسی بنویسد که با کار و کارگر سروکار داشته باشد . . . ما نباید به این کارگران به دسپا چنین بگوییم که اسلام طرحی برای حل مشکلات کار و کارگر ندارد . این خیانت به اسلام است . . . از من می‌پرسند : آقا بعد کارگر با اسلام مخالف است ؟ می‌گویم : نه . می‌گویند : در رساله نوشته‌است . می‌بینیم : مگر در رساله نوشته‌است که این آقا وزیر است . " اضافه کنیم که در همین هفته عضو شورای مرکزی " خانه کارگر " ،

در جلسه هفتگی جاده قدیم کرج ، گفت : " طی ملاقاتی با حضرت آیت‌المستظری ، ایشان فرمودند تا - کسب قانون‌کار را مطالعه نکرده‌اند . از ایشان سؤال کردیم : آیا باید قانون‌کار بر باب اجرا باشد ؟ فرمودند خیر ، ابواب دیگر فقط نیز در تدوین قانون‌کار باید در نظر گرفته شود . " به این ترتیب ، با موضع‌گیری‌های شخصیت‌هایی ، چون فقها آیت‌المعظمی منتظری و آیت‌الموسوی اردبیلی ، معلوم می‌شود که کلیه ادعاهای طراحان پیش‌نویس و مدافعان خط سرمایه‌داری ، مبنی بر " ترعی بودن " و " اسلامی بودن " پیش‌نویس ، غلط بوده و ایس ادعا ، که پیش‌نویس با نظر امام و آیت‌المعظمی منتظری تهیه‌شده ، دروغ بوده است .

در سمینار ، وزرای صنایع و دادگستری و معاونین وزرای کشاورزی و صنایع سنگین از کارگران ، و لزوم تدوین قانون کار صحیح دفاع کردند .

خام عقیقی ، کارگر شیرازی گفت : " جای تأسف است که در پیش‌نویس ، کارگر مورد معامله قرار گرفته است . قانون کار باید با مشارکت کارگران و روح قانون اساسی نوشته شود . "

آقای عربی ، کارگر اصفهانی ، گفت : " قانون کار و تامین اجتماعی باید مکمل همدیگر باشند و پیش‌نویس با قانون اساسی مغایرت دارد . "

کارگران سرمرچشمه نامهای ، با هفتصد امضاء ، برای آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند . آن‌ها نوشته‌اند : " با کارگران من سرچشمه برای تهیه پیش‌نویس هیچ‌گونه مشورتی نشده است . . . قانون اساسی باید در قانون کار انعکاس یابد . "

این ۷۵۰ کارگر درباره مسائل مختلف کارگری اظهار نظر کرده و درباره شکل‌های کارگری نوشته‌اند : " در این مجتمع از هرگونه تشکل کارگری جلوگیری می‌شود . این مخالف قانون اساسی است . تشکل ما نهادی است برای پشتیبانی از انقلاب بزرگ اسلامی مان . " آن‌ها اضافه می‌کنند : " بخشنامه وزارت‌کادو نسبتاً به نفع کارگران نیست ، بلکه بعدرستی ضدکارگری است و چیزی جز ناراضی‌رزی روزافزون کارگران و جدا کردن آن‌ها از انقلاب نیست . "

در جلسه هفتگی جاده مخصوص کرج ، یکی از اعضای انجمن اسلامی ، از پیش‌نویس و از وزیر کار انتقاد کرد و گفت : " سناریی تشکیل شود ، تا همه بدانند این قانون‌کار از قانون کار زمان طاغوت بدتر است . "

سایند کارگران سارا اول گفت : " این قانون با قانون اساسی مغایرت دارد و معلوم نیست آقای توکلی بر چه مبنایی این قانون را نوشته‌اند . قانون‌کار فقط زمانی قابل اجراست که با قانون اساسی مطابقت داشته باشد . "

در جلسه هفتگی جاده قدیم کرج گفته شد : " به نظرات کارگران در وزارت کار توجهی نشده است . "

نماینده شورای اسلامی گفت : " برادرانی که مایل به نوشتن طومار هستند ، همراه پیشنهادات آنرا ارائه دهند . " تهیه طومار و نامه ، گردآوری امضاء و مراجعه به مقامات مسئول ،

وسیعاً میان کارگران رایج شده و مشارکت فعال آن‌ها در گرد همایی‌ها و سمینارها و طرح خواست‌های مشخص و تاکتیک‌برفانون اساسی و بر - مشارکت و حضور خود کارگران در تدوین قانون چشمگیر است . فعالیت همه‌جانبه ، آگاهانه و هدفمند کارگران و به‌ویژه تشکل‌کردن و ترغیب زبان کارگر و بوجودان کارگر ، که به اندازه ناپسته هنوز جای خود را در این صف مبارزه اشغال نگردانند و هشاری کامل در برابر تحریکات و ترغندهای مدافعان پیش‌نویس و تمرکز همه نیروها بر روی

اصل تدوین کار بر اساس قانون اساسی و مشارکت کارگران - همماینها وظیفه مبرم کنونی است و همرفقا باید مرتباً و دقیقاً این رویه‌آدها را دنبال کنند و تا حد امکان در این زمینه بکوشند.

آزادی فعالیت احزاب سیاسی

در این هفته، پس از مدت‌ها سکوت درباره یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی کشور، آقای خوندی معاون وزارت کشور از "اعلامیه ده‌ماده‌ای دادستانی کل انقلاب" یاد کرد و گفت: "آن اعلامیه هنوز محفوظ خود باقی است و احزابی که یا این اعلامیه خود را هماهنگ کنند و علیه نظام جمهوری اسلامی به جنگ مسلحانه دست زنند و چشم مردم را موجب شوند، می‌توانند به فعالیت ادامه دهند. بهتر است احزاب و گروه‌های سیاسی به جنگ اسلام نیابند و بر اساس آزادی فعالیت‌های سیاسی، که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معین کرده، فعالیت داشته باشند." این سخن اگر به‌عمل درآید، مطابق با منافع انقلاب و عین قانونیت و تحکیم جمهوری است. ولی اگر به‌عمل درآید... آن چه در عمل دیده می‌شود، منافقانه تاکنون حتی گرایش نخستین عملی را نشان نمی‌دهد. حزب با مدت‌هاست، که همه نشریات مربوط به نیت احزاب سیاسی را در وزارت کشور به‌عمل آورده، و همه می‌دانند که دقیقاً و کاملاً بر طبق اعلامیه‌ماده‌ای عمل کرده و می‌کند و ناگاهانه از انقلاب و قانون اساسی و امر تحکیم جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده و می‌کند. اما موانعی که بر سر راه فعالیت آزاد و علنی حزب ما ایجاد می‌شود، روزافزون است. تمام دفاتر و کلوب‌های حزب ما را بسته‌اند، تمام جرایم و مخلات ما را تعطیل کرده‌اند. حتی بر سر راه کتاب‌ها و نشریات محدود باقی مانده ما، داشا و به نحو ابتدایی، مشکلات تازه مناره می‌آفرینند. از بنده آدر و غمناکون، به جزوات "پریش و پاسخ"، که تنها وسیله بیان عقائد و نظریات حزب میان مردم است، اجازه انتشار نداده‌اند. تعداد اعضا و هواداران حزب نوده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، که بدون علت و بی‌گناه زندانی هستند، به چند صد تن بالغ می‌شود. بسیاری از آن‌ها ماها، بلکه بیش از یک سال است که در حرس‌اند. آن‌ها و حزب و سازمان آن‌ها اعلامیه ده ماده‌ای را رعایت کرده‌اند، ولی دستگاهها و نهادهایی هستند، که "تحلف" فاحش کرده‌اند.

عمل، میزان است. سخن باید به‌عمل درآید. سخن آقای آخوندی، سخن درست و معقول و مطابق با منافع انقلاب و قانون اساسی است. اما مدت‌هاست، که هنگام عمل فرا رسیده، معیار داوری، عمل است. این همه، به‌مانه‌آیین نامه انجمن‌های اسلامی، نباید مسئله احزاب و کمیسیون بررسی را به‌تمویق انداخت. به قانون شکنی‌ها و توقیف‌ها و تحلف‌ها علیه دگراندیشان انقلابی باید پایان داد. جلوی انتشارات مدافع انقلاب را نباید گرفت. فقط آن‌گاه سخن معاون وزارت کشور اهمیت شایسته خود را کسب می‌کند.

جهان

اجلاس هیئت‌های عضویمان ورشو

اجلاس هیئت‌های عضویمان ورشو همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا در این اجلاس استراتژی‌دنیای سوسیالیسم، در ارتباط با مهم‌ترین حوادث بین‌المللی، طرح‌ریزی می‌شود. کمیته سیاسی مشورتی پیمان ورشو، که بالاترین ارگان این پیمان است، پس از هر اجلاس، که معمولاً دو سال یک‌بار تشکیل می‌گردد، طی اعلامیه‌ای موضع کشورهای سوسیالیستی را در مسائل حاد جهانی شرح می‌دهد و پیشنهادهای خود را برای حل این مسائل مطرح می‌کند. اجلاس کمیته سوسیالیستی مشورتی، که در نخستین هفته سال نو مسیحی در پراگ گشایش یافت، در یک اعلامیه مشروح، اوضاع بین‌المللی را تجزیه و تحلیل نمود، نتیجه‌گیری کرد و موضع کشورهای عضویمان ورشو را در قبایل مسائلی که بیلیون‌انقر از مردم جهان را نگران ساخته است، بیان داشت. مسئله صلح یا جنگ در رأس تمام این مسائل قرار دارد.

کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو هشدار می‌دهند، که جهان به یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ خود پا گذاشته است. خلق‌ها و کشورها در سردو راهی قرار گرفته‌اند: حفظ صلح یا ندادن جنگ، چنانچه که به دلیل سلاح‌هایی، که ناگزیر در آن به‌کار گرفته

می‌شود، خصلت، همه‌گیر خواهد داشت و هیچ‌خلق و ملت و کشوری، در هر کجای جهان باشد، از اثرات نابودگرانه آن رهایی نخواهد یافت.

کشورهای سوسیالیستی در اعلامیه‌پایانی اجلاس خود پیشنهاد می‌کنند: تمام اقداماتی که می‌تواند به یک‌درگیری هسته‌ای - موشکی بیانجامد، متوقف شود و سپس برنامه حلقه سلاح هسته‌ای، مرحله به مرحله به اجرا درآید.

پیشنهاد کشورهای سوسیالیستی در این مورد، مسائل زیر را، که فهرست وار بیان شده، می‌کنیم، در بر می‌گیرد:

- مذاکره درباره منع کامل آزمایش‌های سلاح هسته‌ای، منع و سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای،
- کاهش نیروهای مسلح غیرهسته‌ای، چه به مقیاس جهانی و چه به مقیاس محلی، جلوگیری از افزایش هزینه‌های نظامی و سپس کاهش آن‌ها؛

- محدود کردن فروش تسلیحات معمولی به کشورهای دیگر،

- برچیدن پایگاه‌های نظامی در اراضی کشورهای دیگر و بتفیل تسلیحات نیروی دریایی برای ایجاد جو اعتماد در دریاها و اقیانوس‌ها؛

در این مورد از ایالات متحده خواسته می‌شود، که ساواگان هسته‌ای خود را از دریای مدیترانه خارج کند و سلاح‌های هسته‌ای خود را در اراضی کشورهای ساحلی این دریا، که فاقد سلاح اتمی هستند، مستقر نکند.

- بیرون بردن تمام سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و میان بردار اروپا به صورت متقابل از سوی پیمان ورشو و پیمان ناتو - و اگر عرب با این پیشنهاد موافق نیست - کاهش این سلاح‌ها برپایه اصل برابری و امنیت، تا آخرین حد مورد توافق طرفین؛

- قطع مساعف تسلیحاتی از طریق تعهد اتحاد شوروی و ایالات متحده درباره عدم آزمایش متقابل سلاح‌های استراتژیک، چه از هسته‌ای و چه از راه محدود کردن هر چه پیش‌نورود نوآوری آن‌ها.

در اعلامیه کمیته سیاسی مشورتی پیمان ورشو، مسائل مربوط به "جهان سوم" جای مهمی اجزای می‌کند. در اعلامیه گفته می‌شود که ایجاد جو سالم در روابط بین‌المللی، تا حدود زیادی با رفع کانون‌های موجود تنش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و جلوگیری از پیدایش کانون‌های تنش و درگیری تازه ارتباط می‌یابد. تلاش کشورهای عضو برای جلب کشورهای "جهان سوم" به پیمان‌های نظامی و سیاسی و گسترش دایره فعالیت بلوک‌های نظامی به این کشورها، خطر تبدیل درگیری‌های منطقه‌ای به تصادمات جهانی را افزایش می‌دهد.

کشورهای عضو پیمان ورشو اعلام می‌دارند که قصد ندارند حدود فعالیت پیمان خود را به کشورهای خارج از حیطه عملیاتی این پیمان منتقل کنند و از پیمان ناتو نیز می‌خواهند که گسترش منطقه عملیاتی خود به سایر نقاط جهان و به ویژه حوضه خلیج فارس دست بردارد.

در اعلامیه از ایالات متحده دعوت می‌شود که مذاکرات خود را با اتحاد شوروی بر سر پذیرفتن اقیانوس هند به منزله "منطقه صلح" تا پایان موقعیت آمیز آن دنبال کند.

سران کشورهای عضو پیمان ورشو تجاوز اسرائیل علیه خلق‌های عرب و کشتار وحشیانه مردم بی‌دفاع را به شدت محکوم کرده، اعلام می‌دارند، که صلح در خاور نزدیک هنگامی می‌تواند برقرار شود، که اسرائیل اراضی اشغال شده کشورهای عرب، از جمله بخش مسلمان نشین بیت‌المقدس، را تخلیه کند و به حقوق حقه خلق فلسطین و عمل‌آز همه حق داشتن یک دولت مستقل کردن نهد.

در اعلامیه پایانی اجلاس کمیته سیاسی مشورتی پیمان ورشو نوظهورهای امپریالیستی در شاخ آفریقا و آمریکای لاتین، به ویژه سیاست تهدید و اجزای‌های دنیای "در مورد کوبا و نیکاراگوئه"، به شدت محکوم می‌گردد.

در سران کشورهای عضو پیمان ورشو آمار مذاکرات بین‌افغانستان و پاکستان، با بی‌توجهی‌گری نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد، با کم‌توجهی در جهت رفع اختلافات دو کشور بلقی بوده، بیروم حل مسائل موجود بین دو کشور را بر اساس احترام متقابل مساوات و سلامت‌ارزشی بگذر حاکم‌نشان می‌کند.

در اعلامیه پایانی ششمین مجمع کشورهای عضو پیمان ورشو در مورد جنگ بین ایران و عراق ذکر می‌گردد و گفته می‌شود که کشورهای سوسیالیستی عضو این پیمان، خواهان قطع جنگ میان این دو کشور همسایه و حل و فصل مسائل مزید اختلاف بین آن‌ها از طریق مذاکره هستند.

در مورد مسائل اقتصادی جهانی، کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو پشتیبانی خود را از خواست کشورهای "جهان سوم" در باره بازسازی روابط اقتصادی بین المللی، بر پایه عدالت و برابری و رعایت حق حاکمیت این کشورها بر منابع و ذخایر طبیعی خویش، اعلام می دارند و پیشنهاد می کنند که بخشی از صرفه جویی های حاصل از کاهش هزینه های نظامی کنونی و آینده، برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای رشد یافته تخصیص داده شود.

در مورد مسائل ایدئولوژیک، در اعلامیه پایانی اجلاس پراگ گفته می شود که کشورهای سوسیالیستی در سیاست خود مسائل ایدئولوژیک و مسائل مربوط به روابط بین کشورها را به کلی از یکدیگر جدا می کنند و مناسبات خود را با کشورهای دارای نظام سرمایه داری بر پایه اصول هم زیستی سالم آ میز بنامی کنند و در مورد کشورهای رشد یافته، به گیرانه سیاست همکاری با آنان را دنبال می کنند.

در اعلامیه ذکر می گردد که تلاش امپریالیسم برای برهم زدن هم زیستی سالم آ میز و دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی، اوضاع جهانی را به شدت تشنج کرده و منافع تمام کشورها را به خطر انداخته است. کشورهای سوسیالیستی تحکیم مبانی همبستگی انترناسیونالیستی و گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مهم ترین وظیفه خود در مبارزه به خاطر صلح و پیشرفت محسوب می دارند.

در اعلامیه پایانی گفته می شود که کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو از موضع برحق جمهوری خلق لهستان در مورد دفع هرگونه تلاشی، که برخلاف موازین شناخته شد، مناسبات بین المللی برای مداخله در اموری، که حل آن ها صرفا در صلاحیت خود آن کشور است، به عمل آید، پشتیبانی می کند و اعلام می دارند که دولت سوسیالیستی لهستان همیشه می تواند به حمایت معنوی، سیاسی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی برادر مستظهر باشد.

در اعلامیه گفته می شود که سرنوشت اروپا و سراسر جهان نامحدود ریادی وابسته به آن است، که کشورهای عضو پیمان ورشو و پیمان ناتو، که در دوازده سال بزرگ نظامی و سیاسی گرد آمده اند و هر یک دارای قدرت عظیم نظامی، به ویژه در زمینه تسلیحات هسته ای هستند، سیاست هم زیستی سالم آ میز را خواهند پذیرفت و سطح روبرویی با یکدیگر را پایین خواهند آورد یا نه؟ درگیری

نظامی بین آن ها نتایج مصیبت باری برای تمام خلق های جهان به بار می آورد. از این رو کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو، با در نظر گرفتن جنبه های گوناگون مسائل بین المللی، به کشورهای سرمایه داری عضو پیمان ناتو پیشنهاد می کنند، که میان کشورهای عضو این دو پیمان قراردادی درباره عدم توسل به زور و حفظ روابط سالم آ میز امضا گردد. سایر کشورهای خارج از این دو پیمان نیز می توانند در تنظیم این قرارداد شرکت کنند و به آن ملحق شوند. کشورهای عضو این دو پیمان متعهد می شوند که در کاربرد سلاح، چه هسته ای و چه معمولی، پیش دستی نکنند و علیه هیچ کشور ثالثی به نیروی قهریه توسل نشوند.

کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو اعلام می دارند که آماده اند بر پایه مفاد این اعلامیه، با تمام کشورهایی که خواهان دست یابی به هدف مقدس حفظ صلح و گسترش تشنج زدایی باشند، مذاکره و همکاری کنند.

اعلامیه پایانی اجلاس سران کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو در حقیقت بیان فشرده سیاستی است، که دنیای سوسیالیسم از همان بدو پیدایش خود به گیرانه دنبال کرده است. این سیاست، که با منافع زحمتکشان و خلق های ستم دیده سراسر جهان مطابقت دارد و بیانگر خواست ها و آرزوهای آنان است، پیوسته طرفداران بیشتری را، حتی در خود کشورهای سرمایه داری، به خود جلب می کند.

امپریالیسم خبری، از دهان صدها رادیو تلویزیون، روزنامه و مجله می گوید، تا در برابر توده های مردم چهاره ای مخدوش و معیوب از دنیای سوسیالیسم ترسیم کند. اما با وجود این، تلاش دنیای سرمایه داری برای فریب توده ها، هر روز بی ثمرتر و کم بهره تر می گردد، و این را بهتر از هر جای دیگر می توان در جنبش ضد جنگ، که به تمام منای کلمه شکل یک نهضت توده ای جهانی به خود گرفته است، مشاهده نمود.

آن چه به سیاست خارجی دنیای سوسیالیسم برندگی و توفیق می دهد، آنست که این سیاست پاسخگوی منافع توده های زحمتکشی است، که به بیش از همه از مسابقه تسلیحاتی و تدارک جنگ رنج می برند و تمام مصائب جنگ نیز - در صورتی که ماجراجویی های امپریالیسم کار را به آن جا بکشاند - بر سر آنان فرود می آید. به همین دلیل نیز جنبش ضد جنگ در اروپا و آمریکا، علی رغم تمام تهمت های نام

جوانمردانهای که سخن گویان امپریالیسم به آن می زنند، طی دوسال اخیر پیوسته سرصودی داشته است.

هفته نامه آمریکایی نیوزویک می نویسد که مقامات پیمان ناتو عقیده دارند، که در سال ۱۹۸۳ جنبش ضد جنگ در اروپا، چهره لحاظ جلب توده ها و چه به لحاظ اشکال شدیدتر اعتراض، یا به مرحله بالاتری خواهد گذشت، و از هم اکنون برای روبرویی با آن تدارک می بینند. احتمال می رود که در برخی از کشورهای کوچک عضو ناتو، مثلا هلند، جنبش ضد جنگ شکل سرپیچی از اطاعت اوامر دولت را به خود بگیرد.

تردیدی نیست که حضور توده های مردم در صحنه مبارز می تواند نام نرفته های ماجراجویانه امپریالیسم را عقیم بگذارد. بر پایه همین تجربه و تحلیل از حوادث جهان است، که کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو، که توده های مردم را سازندگان تاریخ می دانند، در اعلامیه پایانی خود با اطمینان می گویند:

نیروهای صلح از نیروهای جنگ نیرومندتر و مقتدرترند و همبستگی و اقدام های پیگیرانه آن ها در سمت هدف معین می تواند تلاش برای برهم زدن روابط سالم آ میز بین کشورها را عقیم بگذارد.

یکی از دلایلی که هارترین نمایندگان سرمایه داری انحصاری، به ویژه دارودسته ریگان - و این برگر، برای توجیه سیاست تشنج زدایی و توسعه سابقه تسلیحاتی اقامه می کنند، آنست که گویا اقتصاد دنیای سوسیالیسم در برابر این مسابقه تاب مقاومت نخواهد آورد و آشفتگی های اقتصادی ماکزیر موجب بروز بحران های سیاسی، بحسب در کشورهای سوسیالیستی کوچکتر و سپس در خود اتحاد شوروی، خواهد شد و به دنبال آن نظام نوین سوسیالیستی جای خود را به نظام سرمایه داری خواهد داد! سازمان "سیا" برای تایید این نظریه تاکنون کوهی از آمار و ارقام جعلی از وضع اقتصادی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی منتشر نموده است. اما در برابر واقعیات انکارناپذیر، اکنون "سیا" هم مجبور است حرف های خود را پس بگیرد.

گزارش ۴۰۱ صفحه ای "سیا" درباره وضع اقتصادی اتحاد شوروی

هفته نامه آمریکایی نیوزویک (شماره دهم ژانویه ۱۹۸۳) می نویسد:

"سیا" هفته پیش یک تحلیل ۴۰۱ صفحه ای از وضع اقتصادی اتحاد شوروی منتشر نمود. گزارش "سیا" زیر عنوان: "اتحاد شوروی: اقدامات مربوط به رشد و توسعه اقتصادی، سال های ۱۹۵۰-۱۹۸۰"، می تواند برای برنامه ریزی استراتژیک آمریکا کاربرد وسیعی داشته باشد. این گزارش، با تصویری که دولت ریگان از اتحاد شوروی به منزله یک ورشکسته اقتصادی ترسیم می کند، تضاد فاحش دارد. "سیا" نتیجه می گیرد، که تولید ناخالص ملی اتحاد شوروی، طی این سی سال، با میانگین سالانه ۴/۸ درصد ترقی کرده است. در حالی که آهنگ رشد اقتصاد آمریکا از ۳/۴ درصد تجاوز کرده است. با وجود هزینه های سنگین نظامی در سال های دهه هفتاد ("سیا" آن را بین ۱۱ تا ۱۳ درصد تمام تولید تخمین می زند، که با واقعیت فاصله زیادی دارد)، سطح زندگی مردم شوروی نیز ترقی سریعی داشته است: مصرف واقعی سرانه تقریبا سه برابر شده است، مردم شوروی مقدار بسیار زیادی گوشت و فراورده های شیری مصرف می کنند. سرمایه گذاری در تولید کالاهای مصرفی و خدمات رفاهی، که در سال ۱۹۵۰ برابر با ۱۴ درصد تولید ناخالص ملی بود، در سال ۱۹۸۰ به ۳۳ درصد رسید. در همین مدت این نسبت در ایالات متحده از ۱۷/۵ درصد به ۱۳/۸ درصد تنزل نمود است. علی رغم این که ساختمان مسکن رشد چشمگیری داشته است، هنوز کمبود مسکن به شدت احساس می گردد. سطح زندگی مردم شوروی هنوز از اروپای غربی، آمریکا و ژاپن پایین تر است.

اینست منظره مسابقه اقتصادی طی سی سال اخیر بین اتحاد شوروی و ایالات متحده، از زبان تحلیل گران "سیا"، که با وجود خصومت انکارناپذیر آن ها با سوسیالیسم و با اتحاد شوروی، ناچار به دست آوردهای بزرگ سوسیالیسم در اتحاد شوروی در ۴۰۱ صفحه اذعان می کنند.

ولی گزارش "سیا" در کشوی میز "برگزیدگان" باقی می ماند و رسانه های گروهی امپریالیستی هم چنان تصنیف های کهنه را در باره "صف های طویل و کمبود مواد غذایی و نبودن پزشک و دارو در اتحاد شوروی" می سرایند، و متأسفانه ساده لوحانی نیز یافت می شوند که گفته های آنان را نه تنها در این مورد ها، بلکه در مسائل

خیزیم، سکوت کنیم و میثاق ببندیم، که راهشان را، چون خود آنها، قهرمانانه و سرافراز ادامه دهیم.

مرگ جانگداز بکر رفیق

خبر درگذشت رفیق فداکار خسرو اشتری، از رفقای آغاچاری، به ما رسیده است.

رفیق خسرو، که در رساندن صدای حزب توده ایران به مردم آغاچاری کوشا بود و از سال ۱۳۵۷، که به حزب طبقه کارگر ایران پیوست، تا آخرین دم حیات، از این وظیفه انقلابی باز نایستاد، قربانی بیماری شد.

رفیق خسرو، برادر رفیق شهید توده‌ای فرهاد اشتری بود، که در مراسم سالگرد انقلاب در سال گذشته، صد انقلابیون را انداختن سوراخی به خانه‌اش، او را به شهادت رساندند.

اکنون که اولین سالگشت شهادت رفیق فرهاد، با مرگ سایه‌گام برادر توده‌ای او همراه است، یاد هر دو رفیق را گرامی می‌داریم و به خانواده آن‌ها، که دو فرزند توده‌ای خود را از دست داده‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

بزرگ سیاسی باور می‌کنند. اما کسانی که سرنوشت دنیای سرمایه‌بازی را در دست دارند، به‌هر حال معنای گزارش ۲۰۱ صفحه‌ای "سیا" را، که کیفرخواستی علیه نظام اجتماعی - اقتصادی دنیای آنان است، به‌خوبی درک می‌کنند. آن چه موی بر اندام سیاست‌گران و سرمایه‌داران آمریکایی راست می‌کند، منظره سی سال آینده این مسابقه مسالمت‌آمیز اقتصادی است، و به‌همین علت نیز آن‌ها سعی می‌کنند که با انواع وسایل در راه پیشرفت نظام نوین سوسیالیستی سنگ بیندازند، غافل از آن که اتحاد شوروی تمام کامیابی‌های سی سال گذشته خود را در زمانی به دست آورد است، که دنیای سوسیالیسم به مراتب ضعیف‌تر از امروز و دنیای امپریالیسم به مراتب نیرومندتر از امروز بود است. دنیای سوسیالیسم با وجود همه دشواری‌ها توانسته است با دنیای امپریالیسم به سطح توازن استراتژیک برسد و اکنون از این موضع برابری است، که کشورهای عضو پیمان و رشاغضای پیمان ناتو را به هم زمیستی مسالمت‌آمیز و دست‌کشیدن از مداخله در امور سایر خلق‌ها، برداشتن چشم طمع از ذخایر ثروت‌های طبیعی کشورهای "جهان سوم"، خاموش کردن کانون‌های تشنج و جنگ در سراسر گیتی و سایر اقداماتی که در اعلامیه پایانی ذکر شده است، دعوت می‌کنند. و مسلم است که این دعوت، بیش از آن که خطاب به دولت‌های امپریالیستی باشد، خطاب به خلق‌های جهان و نیروهای آگاه انقلابی پیش‌آهنگ این خلق‌هاست، که تفاوت بنیادی بین سیاست دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم را درک می‌کنند و از همان نخستین سال‌های پیدایش دولت سوسیالیستی اتحاد شوروی، از سیاست صلح‌جویانه و اصولی آن در دفاع از استقلال و آزادی خلق‌ها در برابر تجاوزات امپریالیستی پشتیبانی کرده و می‌کنند.

نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست!

رفقای عزیز!

توده‌ای دلاور دیگری جان خود را در راه آرمان خویش باخت و زندگی خود را نثار انقلاب و جمع‌شوری اسلامی ایران کرد. رفیق قهرمان، مصطفی شهر ویرانی، بدست خدا انقلابیون کومله در مهاجرت به شهادت رسید. رفیق شهید مصطفی، که در یک خانواده کارگری بدینیا آمده و سراسر زندگی کوتاه خود را در نبرد باستم گذرانده بود، در روزهای خونین و با شکوه انقلاب، با حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، آشنا شد. رفیق مصطفی بدون تردید به حزب توده‌ای ما پیوست و با تمام نیرو، در شرایط حاد سیاسی کردستان، بسه دفاع زمینی اصولی و انقلابی حزب پرداخت. خدا انقلابیون کومله، که به‌همین دلیل کینه سوزا از رفیق مصطفی در سینه‌های متفخور خود داشتند، سر - اینجا در شب ۲۱ شهریور ۱۳۶۱ به خانه رفیق مصطفی ریختند و او را دستگیر کردند. جانبا ن کومله "رفیق مصطفی" را به پشت خانه‌اش بردند و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن رفیق قهرمان ما را به شهادت رساندند. رفیق قهرمان، مصطفی شهر ویرانی، در آن شب ظلمانی، با فریادهای خروشان:

- مرگ بر آمریکا!
- درود بر خمینی!

- زنده باد حزب توده ایران!

جان خویش را نثار انقلاب کرد و با رد دیگر نشان داد، که توده‌ای‌ها در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها، که مرگرا بدنیالدارد، با یمردانه از آرمان خود دفاع میکنند. رفیق مصطفی با رد دیگر با خون خویش ثابت کرد که میتوان توده‌ای‌ها را به شهادت رساند، اما هرگز نمیتوان صدای آنها را، که با آخرین نفسهای خویش، مرگ دشمن اصلی - آمریکا، پشتیبانی رهبری انقلاب و ستایش حزب قهرمان ما را، طلب می‌کنند، خاموش کرد.

علاوه بر رفیق دلاور مصطفی شهر ویرانی، خبر شهادت دو رفیق دیگر از جبهه‌های نبرد به ما رسیده است، که متأسفانه به دلایل روشن، قادر به ذکر نام آنها نیستیم. نام این رفقای قهرمان، بیگمان چون دیگر شهیدان توده‌ای، در دفتر تاریخ ثبت خواهد شد. بیاد آخرین رفقای شهید خود، که به قافله خونین شهدای توده‌ای پیوسته‌اند، در حوزة ما بیسا